

## بررسی نقش رسانه در سیاستگذاری مبارزه با فساد مبتنی بر رویکرد نظام ملی درستکاری

وحید آرائی<sup>۱</sup>، شعبان نجفپور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵

از صفحه ۳۹ تا ۵۸

### چکیده

هدف این مقاله تبیین و تحلیل جایگاه رسانه در سیاستگذاری مبارزه با فساد با رویکرد نظام ملی درستکاری است. رسانه‌ها با انعکاس اخبار گوناگون درباره فساد می‌توانند گام بزرگی در برجسته‌سازی آن ایفا کنند. این اقدام می‌تواند توجه مردم و مسئولان را به مسائل این حوزه معطوف کند و صورت نیاز برای سیاستگذاری مورد توجه قرار دهد. رویکرد نوینی که کشورهای مختلف در مبارزه با فساد و ارتقای سلامت نظام اداری اتخاذ کرده‌اند، نظام ملی درستکاری است. بر اساس این رویکرد، تمام بخشهای جامعه باید در تعامل با یکدیگر و در راستای درستکاری ملی به هم نزدیک شوند و برای سیاستگذاری مبارزه با فساد، بازیگران مختلفی از جمله رسانه‌های همگانی در شناسایی و دستورگذاری آن دخیل هستند. روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در این مقاله به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و اطلاعات به شیوه تحلیلی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها و نتایج نشان داد وجود آزادی اطلاعات و به رسمیت شناختن و حق دسترسی همگانی به آن، وجود آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، عدم سانسور و خودسانسوری، استقلال ساختاری، محتوایی، مالی و سیاسی رسانه‌های همگانی و تأمین استقلال حرفه روزنامه‌نگاری، مهمترین شاخصها و عوامل ستون رسانه در نظام ملی درستکاری بیان شده است که نبود آنها موانعی جدی بر سر راه نقش رسانه در سیاستگذاری مبارزه با فساد به شمار می‌رود.

### واژگان کلیدی

نظام ملی درستکاری، نقش رسانه‌ها در افشای فساد، رابطه رسانه‌های آزاد و افشای فساد، رسانه و سیاستگذاری مبارزه با فساد.

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول).

رایانامه: Vah.araei@iauctb.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشگاه تهران. رایانامه: najafpour@ut.ac.ir

## ۱. مقدمه

هنگامی که از رسانه سخن به میان می‌آید، عمدتاً به وسایل ارتباط جمعی یا فناوریهای ارتباطی ناظر است که انتقال پیامها از فرستنده یا فرستندگان را به مخاطب یا مخاطبان ناهمگون ممکن می‌سازد. این وسایل شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فناوریهای نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. رسانه‌های ارتباط جمعی، ویژگیهای گوناگونی دارند. چارلز رایت<sup>۱</sup> ارتباط جمعی را با سه ویژگی تعریف می‌کند: الف) ماهیت مخاطبان: ارتباط جمعی معطوف به مخاطبان نسبتاً زیاد، ناهمگون و ناشناس است. ب) ماهیت پیام و رویدادهای ارتباطی: پیامها عمومی انتقال پیدا می‌کند؛ اغلب برنامه‌ریزی شده است تا همزمان به بیشتر افراد مخاطب برسد؛ ویژگی گذرا دارد. ج) ماهیت ارتباط‌گر: ارتباط‌گر، سازمان پیچیده‌ای است یا در سازمان پیچیده‌ای عمل می‌کند که هزینه زیادی را در برمی‌گیرد (رایت، ۱۹۵۹، ص ۱۵). ارتباط جمعی، انتقال اطلاعات با وسایلی مانند روزنامه، کتاب، امواج رادیو، تلویزیون و... برای گروهی از مردم با سرعتی زیاد، و ویژگیهای این نوع ارتباط چنین است: پیامگیران ناآشنا، پراکنده، بازگشت پیام یا بازخورد با تأخیر، سرعت عمل زیاد، تکثیر پیام و ارتباط سطحی و ناپایدار (دادگران، ۱۳۸۴، ص ۳۰). در واقع، رسانه‌های ارتباط جمعی، ابزارهایی هستند که از طریق آنها می‌توان به افراد بلکه جماعتی بسیار یا توده‌ای ناهمگون و پراکنده دسترسی پیدا کرد؛ به عبارتی وسایلی هستند که پیامهای یکسانی را به مخاطبان انبوه در جامعه یا در سطح اجتماعات محلی، ملی و جهانی منتشر و توزیع می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

در نخستین تلاش برای تبیین کارکردهای رسانه‌ها، هارولد لاسول در سال ۱۹۴۸، سه کارکرد اصلی را برای رسانه‌ها ارائه کرد: نظارت بر محیط، ایجاد همبستگی اجتماعی در واکنش به محیط و انتقال میراث فرهنگی (مک کوئیل، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹). ویلبر شرام برای این نقشها سه ویژگی خاص «نگهبان»، «راهنما» و «معلم» را ذکر کرد (معتدنزاد، ۱۳۸۶، ص ۹). آنها هم‌چنین با ایفای نقش نگهبانی به کشف اشتباهات و خطاهای قدرت و اصلاح آن می‌پردازند. میکائیل شادسون<sup>۲</sup> در کتاب «چرا دموکراسیها به رسانه‌های ناسازگار نیاز دارند»، شش نقش را برای رسانه‌ها ترسیم می‌کند: اطلاع رسانی به عموم، تحقیق، تحلیل، نظارت اجتماعی، حوزه عمومی و بسیج (شادسون، ۲۰۰۸، ص ۸۷).

رسانه‌ها در نخستین کارکرد، که نظارت، مراقبت، تهیه و رساندن اخبار است، اغلب خطرهای احتمالی نظیر وضع هوایی خطرناک و موقعیت‌های پرخطر را به ما هشدار می‌دهند (مهرداد، ۱۳۸۰،

1. Charlz Wright.

2. Schudson.

ص ۷۷ و ۷۸). دومین کارکرد، انتخاب و تفسیر اطلاعات در محیط است. رسانه‌ها با انتخاب سوژه‌ها به مسائل و تفسیر اطلاعاتی می‌پردازند که از محیط اجتماعی دریافت می‌کنند. رسانه‌ها در کارکرد همبستگی اجتماعی، غالباً عوامل تهدیدکننده ثبات اجتماعی را به عقب می‌رانند و یا از بین می‌برند و به طور کلی پیوسته در حال اندازه‌گیری افکار عمومی و اداره کردن این افکار هستند (مهرداد، ۱۳۸۰، ص ۷۸). کارکرد همبستگی وقتی به کژکارکرد تبدیل شود، نقد، حداقل می‌شود و دیدگاه اکثریت به حدی تقویت می‌شود که اقلیت راهی برای بیان عقاید خود ندارد و از قدرت به حدی محافظت و پشتیبانی می‌شود که ممکن است به نظارت و کنترل نیاز باشد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، ص ۴۵۱).

کارکرد سوم رسانه‌ها انتقال فرهنگ است. رسانه‌ها در حکم انتقال دهنده فرهنگ برای انتقال اطلاعات، ارزشها و هنجارها از یک نسل به نسل دیگر و از افراد جامعه به تازه واردها کاربرد دارند. آنها از این راه با گسترش بنیان تجربه مشترک، انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، ص ۴۵۳ و ۴۵۲).

رسانه‌ها میانجی واقعیت عینی اجتماعی و تجربه فردی هستند. رسانه‌های جمعی از چند لحاظ میانجی هستند: یکی اینکه غالباً میان ما و آن بخش از تجربه بالقوه‌ای قرار می‌گیرند که خارج از ادارک یا تماس مستقیم ماست. دوم ممکن است میان ما و دیگر نهادهایی قرار گیرند که با آنها سروکار داریم (قانون، صنعت، دولت و سازمانها و...) و پیوندی میان این نهادها ایجاد کنند. سوم اینکه مجراهایی هستند که توسط آن دیگران با ما و ما با دیگران تماس می‌گیریم و چهارم اینکه غالباً رسانه‌ها هستند که با فراهم آوردن اسباب و لوازم به ادراک ما از دیگر گروه‌ها، سازمانها و رویدادها شکل می‌دهند. دریافت ما از گروه‌های جامعه، دولت و رهبران سیاسی غالباً بر اساس شناختی است که از رسانه‌ها گرفته شده است. با در نظر گرفتن میانجی بودن رسانه‌ها، کوئیل نقشهای اطلاع رسانی، ایجاد همبستگی و پیوستگی و تداوم و تفریح و سرگرمی و بسیج را برای رسانه‌ها قائل شده است. رسانه‌ها هم می‌توانند آینه‌ای باشند که تصویری از جامعه باز می‌تابانند و هم می‌توانند حجابی بر واقعیت بکشند و در خدمت مقاصد تبلیغاتی یا واقع‌گرایی باشند (مک کوئیل، ۱۳۸۲، ص ۸۴ و ۸۳).

یکی از مهمترین فواید رسانه‌های جمعی در زمینه مبارزه با فساد این است که می‌توانند براحتهی میان جمعیت کشور منتشر شوند به طوری که گزارشهای رسانه‌ها در مورد فساد مقامات دولتی، نتایجی را در بر دارد که باعث می‌شود این امر مورد توجه مقامات قضایی و عموم مردم قرار گیرد. هم‌چنین نبود سامانه سلامت مؤثر، پیشرفت فساد را تضمین می‌کند. رویکرد نظام

ملی درستکاری، شکل جدیدی از تشخیص و درمان بالقوه برای فساد ارائه می‌کند؛ به این ترتیب در این مقاله نقش رسانه در سیاستگذاری مبارزه با فساد مبتنی بر رویکرد نظام ملی درستکاری بررسی می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

هر چند تحقیقات اندکی در ارتباط با نقش و رابطه رسانه و مبارزه با فساد انجام گرفته، تاکنون از دید نظام ملی درستکاری به جایگاه رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد پرداخته نشده است. باقری کمارعلیا و نجف‌پور (۱۳۹۸) در پژوهشی «رسانه و نظام درستکاری ملی» بیان می‌کنند آزادی مطبوعات و مردم‌سالاری این تضمین را می‌دهد که در صورت وقوع فساد، آن پنهان نمی‌ماند و لذا این افشاگریها می‌تواند از رشد و گسترش فساد جلوگیری کند و افزایش آگاهی مردم به همراه افزایش اعتماد عمومی به دولت در مبارزه با فساد می‌تواند به کاهش فساد کمک کند. پاک سرشت و افشار (۱۳۹۶) در پژوهشی «ارزیابی تئوری برنامه سیاستهای ضد فساد در ایران بعد از انقلاب»، سهم ضعف نظری برنامه سیاستهای ضد فساد در ناکارآمدی و اثربخشی محدود اعمال این سیاستها در کشور بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد خصوصی‌سازی به‌عنوان مداخله‌ای فعال در فضای اقتصادی کشور، نتوانسته است ساختار رقابت و انحصارزدایی را فعال کند. فضای کسب‌وکار نامناسب و نبود آزادی اقتصادی مکفی بستری است که ساختار رقابت نتوانسته است در آن رشد کند. حاصل عقیم ماندن ساختار رقابت در لابه‌لای بستر فعالیت خود، کاهش نیافتن فساد است. بیابانی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی «شفافیت رسانه‌ای در مقابله با فساد و جرم سازمان یافته»، فساد را یکی از ویژگیهای اساسی جرم سازمان یافته در نظر گرفته می‌گیرند. از آنجا که بیشتر جرائم فساد به شکل سازمان یافته ارتکاب پیدا می‌کند، در مبارزه با این جرائم نیز توسل به شفافیت ضروری است. این مقاله در تلاش است تا روشی را که به طریق آن جرائم سازمان یافته و نیز بده بستانه‌های مجرمانه صورت می‌پذیرد آشکار سازد. محمدی و معصومی (۱۳۹۵) در پژوهشی «الزامات راهبرد تجهیز رسانه‌ای در برخورد با فساد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد تجهیز رسانه‌ای و الزامات مؤثر حاکم بر آن را از جمله مهمترین راهکارهای مقابله کننده با مشکل فساد سیاسی در کشورهای برخوردار از نظامهای مردمی معرفی می‌کنند و با این علت‌یابی، که عامل اصلی بروز فساد سیاسی، ناآگاهی عمومی درباره این پدیده و پیامدهای آن است، ورود رسانه را به منظور افزایش آگاهی عمومی نسبت به هزینه‌های کلان فساد و شیوه‌های رویارویی با آن پیشنهاد می‌کنند.

نجف‌پور (۱۳۹۳) در پژوهشی «نظام سلامت ملی، رویکردی نوین در پیشگیری از فساد و ارتقای سلامت اداری» بیان می‌کند موفقیت سیاستهای مبارزه با فساد، نیازمند ائتلاف و همکاری گسترده و نزدیک بخشهای مختلف جامعه از جمله سازمانهای نظارتی و پلیس است و از این رهگذر، شاخصها، ویژگیها و جایگاه نهادهای نظارتی (پلیس) در نظام سلامت ملی بررسی شده است. آرائی و نجف‌پور (۱۳۹۱) در پژوهشی «جایگاه رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد، توصیه‌ها و راهکارهای سیاستی» با توجه به اینکه دستگاه‌های مبارزه با فساد، خواهان همکاری و مشارکت بیشتر رسانه‌های جمعی در زمینه مبارزه با فساد هستند به تبیین نقش و تأثیرات حضور رسانه‌های جمعی در زمینه مبارزه با فساد می‌پردازند و در نهایت راهکارهای عملی در جهت توانمندسازی رسانه‌ها را در مبارزه با فساد ارائه می‌کنند. الوانی و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله «مؤلفه‌های تدوین استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران»، فساد را مستلزم استفاده از رهیافتی کلی نگر و چند بعدی می‌دانند که علاوه بر اهمیت مطالعه‌های آسیب شناسانه، ضرورت تدوین سیاستها و راهبردهای منطبق بر وضعیت داخلی و بومی کاملاً آشکار خواهد بود. در جهت اجرائی کردن چنین رهیافتی در این مقاله با بررسی راهبردهای بین‌المللی مبارزه با فساد، شاخصهایی در قالب چهار بخش اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری برای تبیین راهبرد مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده است.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

#### ۳-۱. رسانه و سیاستگذاری عمومی

در تحلیل سیاستی دو بعد بسیار با اهمیت است: فرایند و محتوا. رسانه یکی از گروه‌های تأثیرگذار بر فرایند سیاستگذاری در مراحل مختلف آن است (بوئر، ۱۹۶۸، ص ۲۱). سیاستگذاری فرایندی است منظم که در آن، ابتدا مشکلات شناسایی، و راه‌حلهای مطرح، و سیاستها اتخاذ، و اجرا می‌شود و در نهایت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. رسانه‌ها کارکرد مختلفی در هریک از این مراحل دارند. به عقیده اسکات اشنايدر رسانه در فرایند سیاستگذاری نقشی اساسی دارد به دلیل اینکه مجرا و قیف تنظیم‌کننده جریان ارتباطات بین سیاستگذاران و دیگران در نظام سیاسی است که به دنبال انواع سیاستهای مختلف هستند (اسپیتزر، ۱۹۹۳، ص ۹). شهروندان از طریق رسانه‌ها می‌آموزند که چگونه سیاستهای دولت بر آنها اثر می‌گذارد و دولتها درباره سیاستها و برنامه‌های خود، بازخوردهایی را دریافت می‌کنند. به زعم فلچر و (تاراس، ۱۹۸۴، ص ۱۹۴)،

1. Bauer.

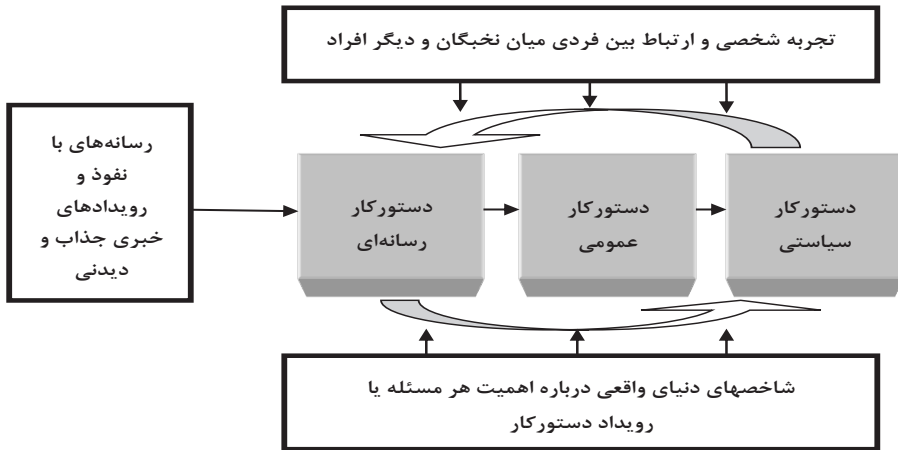
2. Fletcher & Taras.

سیاستمداران به تبلیغات برای ترقی خود و برنامه‌های خود نیاز دارند و گزارشگران به اطلاعات و نقل قولها برای داستانهای خود. علاوه بر این، پوشش رسانه‌ای سیاستها برخی نیازهای دیگر را نیز برآورده می‌سازد؛ به شهروندان اطلاعات ضروری و لازم را برای مشارکت سیاسی مؤثر می‌دهد و انجمنی برای بحث درباره مسائل عمومی فراهم می‌سازد؛ به دولت برای به گردش درآوردن اطلاعات حیاتی درباره خدمات عمومی و موفقیت‌های دولت کمک می‌کند و فرصتهایی برای گروه‌های مخالف به منظور نقد دولت و پیشنهاد سیاستهای جایگزین فراهم می‌آورد. دولت نیز غالباً از رسانه برای بررسی افکار عمومی استفاده می‌کند. رسانه‌ها به عنوان مجرای اولیه بین کسانی عمل می‌کند که به دنبال تأثیرگذاری بر سیاستگذاری هستند؛ یعنی کنترل حوزه گفتمان سیاسی و تنظیم جریان اطلاعات (فیشر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱، ص ۲). بنابراین، رسانه‌ها مشارکت‌کنندگان فعالی در فرایند سیاستگذاری هستند و توانایی ایجاد تغییر یا حفظ وضع موجود به انتخاب گزینه‌ها و موضوعات آنها (یا مسئله سیاستی) و چگونگی شکل دادن به این موضوعات توسط آنها بستگی دارد.

رسانه بر فرایند سیاستگذاری دولت مانند تنظیم دستورکار، صورتبندی و اجرای سیاست تأثیر می‌گذارد. تفاوت این مطالعات در میزان اهمیت و بزرگی تأثیر رسانه است. گزارش اخبار سبب تغییر در درک نخبگان دولتی از اهمیت مسئله و تغییر عقیده و دیدگاه آنها نسبت به اینکه اقدام سیاستی ضروری و حیاتی است و درک آنها از دیدگاه عموم نسبت به اهمیت مسئله شده است. میزان توجه رسانه‌ها به مسئله‌ای مشخص، شدیداً بر آشکاری و پدیداری آن مسئله نزد عموم تأثیر می‌گذارد (هوگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵، ص ۱۶). دستورکار رسانه‌ای تأثیری مستقیم و گاهی اوقات شدید دارد بر دستور کار سیاستی نخبگان تصمیم‌گیر، و در برخی موارد اجرای سیاست. طبق نظر راجرز و بیرینگ (۲۰۰۶، ۳۸) سه نوع دستور کار در سیاستگذاری وجود دارد: دستور کار رسانه، دستورکار عمومی و دستورکار سیاستی. دستورکار رسانه‌ای به وسیله سنتها، اقدامات و ارزشهای حرفه‌ای رسانه‌ها شکل می‌گیرد و دستورکار عمومی تحت تأثیر دستورکار رسانه‌ای قرار می‌گیرد.

1. Fisher.

2. Hughes.



شکل (۱): رابطه سه دستورکار سیاستی، عمومی و رسانه‌ای (راجرز و بیرینگ، ۲۰۰۶)

آشنایی عموم مردم با موضوعات سیاسی شدیداً به میزان و مدت توجه به این قضایا بستگی دارد که از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کنند. مسائل و موضوعاتی که تحت پوشش اخبار تلویزیونی قرار می‌گیرد به اولویتهای بینندگان تبدیل می‌شود. علاوه بر این پوشش رسانه‌ای مسائل، اهمیت این موضوعات را در ارزیابی عموم مردم از بدنه‌ها و ساختارهای سیاسی افزایش می‌دهد. پوشش کامل و شدید رسانه‌ای هر موضوع می‌تواند توجهات مقامات رسمی را به آن مسئله برای مدتی جلب کند که از حالت عادی طولانیتر است (وود و پیک، ۲۰۱۲، ص ۲۰). کینگدان (۱۹۹۵) اشاره می‌کند که در درون و بیرون از فرایند تنظیم دستورکار، مشارکت کنندگانی هستند و رسانه یکی از آنهاست. افکار عمومی، رسانه را تنظیم کننده قوی دستورکار در نظر می‌گیرند. رسانه به عنوان وسیله ارتباطی در اجتماع سیاسی عمل می‌کند. شیوه دیگر تأثیر رسانه بر دستورکار، بزرگ نشان دادن حرکتی است که قبلاً درجایی دیگر شروع شده است. همچنین به میزانی که افکار عمومی بر برخی از مشارکت کنندگان تأثیر می‌گذارد، رسانه‌ها نیز ممکن است تأثیری غیرمستقیم داشته باشد (واه، ۲۰۰۲، ص ۱۲).

زمانی که رسانه، مسئله‌ای را تحت پوشش قرار می‌دهد و آن را منتشر می‌سازد، توجه عموم را بر می‌انگیزاند. بعد از آشکار شدن مسئله، سازمانهای رسانه‌ای دیگر نیز داستان را ادامه خواهند داد؛ سپس مسئله تا اندازه‌ای که جایگاهی در دستورکار عمومی بیابد، گسترش خواهد یافت. پوشش خبرها فشار مناسبی را بر تصمیم‌گیران وارد خواهد کرد تا مسئله را در دستورکار رسمی به منظور ملاحظات مختلف قرار دهند و در نهایت، ممکن است به تغییر یا اصلاح سیاست منجر شود.

### ۲-۳. رویکردهای سیاستگذاری مبارزه با فساد

مسائل و مشکلات عمومی جامعه، پدیده‌هایی اجتماعی اعم از اوضاع ساختاری و یا الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزشها و کمال مطلوبهای آنها می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

امروزه، فساد به عنوان یک مشکل اجتماعی اساسی و کلان نزد سیاستگذاران بسیاری از کشورها تبدیل شده است. سرخوردگی از رویکردهای سنتی توسعه و تشخیص اینکه نهادهای توسعه و اقدامات حکمرانی، نقشی اساسی را در توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند به افزایش توجه به فساد منجر شد (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). در کنار مسائل توسعه، علاقه رو به رشد در زمینه سیاستگذاری مبارزه با فساد، نتیجه چند عامل دیگر از جمله پیامد منفی فساد بر کشورهای فقیر، جمع‌آوری و انتشار اطلاعات عینی و نیز اجماعی روبه رشد ایجاد شده که مسائلی از قبیل فقر و فساد بخشی از پدیده جهانی است و بر تمامی کشورها تأثیر می‌گذارد (گرانادو و بوکس، ۲۰۰۷، ص ۱۰).

علاقه فزاینده و شمار رو به گسترش مطالعات مربوط به فساد، حاکی است که راه‌حلهای ساده‌ای که دارای تأثیری بر فساد باشد برای مشکلات جدی تأثیرگذار بر ابعاد اجتماعی، قانونی، و اقتصادی وجود ندارد. در مقایسه با بسیاری از مسائل مربوط به سیاست ساختاری، تجربه نشان می‌دهد که راه‌حلهای منحصر به فردی وجود ندارد؛ بلکه مبارزه با فساد به کاربرد طیف وسیعی از راهبردها و تشخیص ویژگیهای فرهنگی و تاریخی منحصر به فرد هر بخش نیاز دارد. مک کوزر (۲۰۰۷) و مانتی (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که به طور کلی حداقل سه رویکرد فکری اساسی در سیاستگذاری مبارزه با فساد وجود دارد:

رویکرد مداخله‌گرا: در این رویکرد، مقامات و نهادهای مسئول مترصد وقوع و رخداد عمل فاسد می‌مانند و سپس برای دستگیری و مجازات متخلف اقدام می‌کنند. این مکتب، مجازات، توانبخشی و بازدارندگی را بر می‌انگیزاند اما کاستی‌هایی نیز دارد؛ از جمله: آسیب قبلاً رخ داده است و نمی‌توان آن را جبران کرد و بیشتر جرائم گزارش نشده باقی می‌ماند.

رویکرد مدیریتی: در این رویکرد افراد یا سازمانهای خواهان درگیر شدن در کارهای فاسد را می‌توان با ایجاد نظامها، روشها و تفاهمنامه‌های مناسب از چنین کارهایی دلسرد کرد یا باز داشت.

1. Interventionism.

2. Managerialism.



رویکرد مدیریتگرا از کاهش یا حذف فرصتهایی حمایت می‌کند که به طور کلی افراد فاسد از آنها بهره‌مند می‌شوند. البته در این رویکرد نیز محدودیتهایی هست؛ از جمله این واقعیت، که افراد ضرورتاً طبق اصول از پیش تعیین شده رویکرد مدیریتگرا عمل نمی‌کنند (کوزر و مائتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، ص ۳). سازمانها شامل سه طبقه‌بندی گسترده از افرادی می‌شوند که به طور متمایزی نسبت به تأثیرات فساد واکنش نشان می‌دهند:

افرادی که می‌خواهند کارهای درست انجام دهند و به راهنمایی درباره چگونگی آن نیاز دارند؛ افرادی که برای عملی خارج از قوانین بیش از حد ترسو هستند و افرادی که فاسد هستند و کاملاً خارج از قوانین عمل می‌کنند.

رویکرد مدیریتگرا تلاش می‌کند تا مجموعه قوانینی را برای بازداشتن برخی از افراد با گزینه‌های متفاوت فراهم آورد. از اشکالات این رویکرد این است که تنها برای متوقف ساختن اقدامات فاسد کمتر برنامه‌ریزی شده کاربرد دارد و درباره سوءاستفاده‌های زینبار کاملاً برنامه‌ریزی شده کاربرد چندانی ندارد.

به نظر کوزر و مائتی (۲۰۰۷ و ۲۰۱۱) در رویکردهای گذشته به نقش بخش خصوصی، نهادهای اجتماعی و رسانه‌ها به عنوان عوامل مهمی برای ایجاد تغییر و دگرگونی توجه کمتری می‌شد و بیشتر توجهات متوجه شاخه اجرایی دولت با تمرکز کمتری بر دستگاه‌های مقننه و قضاییه بود و هم‌چنین به بودجه‌ها و فعالیتها توجه بیشتری می‌شد به جای اینکه بر دستاوردهای اقتصادی و نتایج این فعالیتها تمرکز شود و در نهایت اینکه این رویکردها بر پاسخگویی عمودی مبتنی بود و بر شفافیت دولت توجهی نمی‌شد.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

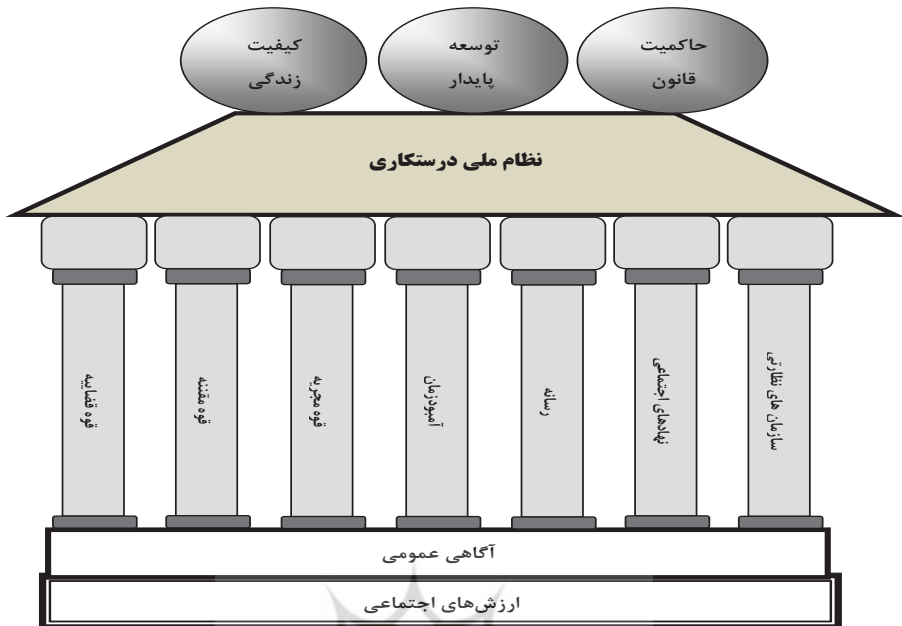
این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی، و از نظر ماهیت و روش تحلیل اطلاعات، توصیفی و تحلیلی است به طوری که نقش رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد با رویکرد نظام ملی درستکاری مورد بررسی قرار گرفته است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است که شیوه استدلالی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

### ۵-۱. رویکرد نظام ملی درستکاری

در دهه ۱۹۹۰، رویکرد دیگری در سیاستگذاری مبارزه با فساد با عنوان نظام ملی درستکاری مطرح شد. در این نظام، توازن قوا طراحی می‌شود تا پاسخگویی بین بازوها و سازمانهای مختلف دولت برقرار گردد. نظام ملی درستکاری از زمان برگزاری کارگاه آموزشی مبارزه با فساد در کشور تانزانیا در سال ۱۹۹۵ از سوی بانک جهانی، جایگاه مهمی در سیاستها و برنامه‌های مبارزه با فساد پیدا کرد (گلین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷، ص ۲۴-۱۶). نظام ملی درستکاری بیان می‌کند که نظامی ثابت و پایدار نیست مگر اینکه توسط نهادهای (ستونهای) قدرتمند و مستحکمی مورد حمایت قرار گیرد که هر یک بتوانند کارکردهای ضروری اجتماعی خود را انجام دهند. اصلاح سلامت و اثربخشی راهبردهای ضدفساد را نمی‌توان تنها بر عهده نهاد واحد و قانون واحد واگذار کرد، بلکه این‌گونه کارها به مجموعه‌ای از سازمانهای قدرتمند، قوانین مؤثر، اقدامات درست و استانداردهای اخلاقی تثبیت یافته نیاز دارند. در جامعه‌ای که نهادهای قدرتمندی باشند که پشتیبان ملی درستکاری باشند، آن جامعه می‌تواند از میوه‌های آن موقعیت از طریق مزایای توسعه پایدار، غلبه حاکمیت قانون و کیفیت مناسب و معقول زندگی برای مردمانش بهره‌مند گردد. در موقعیتی که تمامی ستونهای ضروری بدرستی و به نحو مؤثری عمل نمی‌کنند تا ثبات و سلامت را تضمین کنند، این امر به در خطر افتادن منافع اجتماعی منجر می‌شود. هیچ برنامه اصلاحی به تنهایی کلید افزایش درستکاری دانسته نمی‌شود؛ بلکه این امر نیازمند ترکیبی از برنامه‌ها و اصلاحات است. استعاره غالب و برجسته در زمینه نظام ملی درستکاری، استعاره معبد یونانی است که تمامی ستونهای نهادی درگیر در مبارزه علیه فساد در طیف گسترده‌ای از کشورها را با یکدیگر ترکیب می‌کند. بعید است که قانون یا نهادی واحد، فراهم کننده گلوله‌ای جادویی علیه فساد باشد؛ بلکه به نهادها و برنامه‌های اصلاحی مختلفی برای دستیابی و پشتیبانی از درستکاری مطلوب نیاز است (دیاگ و مک آیور، ۲۰۰۳).

1. Glynn.



شکل (۲): ارکان نظام ملی درستکاری (دیباگ و مک آیور، ۲۰۰۳)

ارکان نظام ملی درستکاری شبیه معبد یونانی به تصویر کشیده می‌شود؛ معبدی با سقف ملی درستکاری که بر ارکانهای مختلفی استوار است؛ قوه قضائیه، مقننه، مجریه، آمبودزمان، رسانه‌های آزاد، نهادهای اجتماعی و...

روی سقف معبد سه توپ گرد قرار دارد: «کیفیت زندگی»، «حاکمیت قانون» و «توسعه پایدار». آنها گرد به تصویر کشیده شده‌اند تا تأکیدی بر این باشد که اگر قرار است این سه توپ گرد و ارزشهایی که در بر گرفته‌اند، پایین نیفتند، سقف باید مسطح نگه داشته شود. خود «معبد» بر بنیانهایی مرکب از آگاهی عمومی و ارزشهای اجتماعی استوار شده است و دوام می‌یابد. اگر آگاهی عمومی زیاد، و ارزش‌ها ریشه‌دار باشد، از «ارکانهایی» که بر آنها استوار شده است، محافظت خواهد کرد و به آنها نیروی افزوده می‌دهد. از سوی دیگر، اگر مردم بی‌اعتنا باشند و مراقب نباشند یا اگر ارزشهای ریشه‌داری نباشد، این بنیانها ضعیف خواهد بود. «ارکانهایی» تو خالی، بی‌فایده و فاقد بایسته‌های مقوم خواهند بود و نمی‌توانند از نظام ملی درستکاری محافظت کنند. اگرچه «ارکانها» به یکدیگر وابسته هستند، درجه قوت و ضعف آنها می‌تواند متفاوت باشد. اگر یکی از رکنها ضعیف باشد، فشار بیشتری روی یک یا چند رکن دیگر می‌آید. اگر چند رکن ضعیف باشد، بار آنها در نهایت کج می‌شود به گونه‌ای که «توپهای گرد» «توسعه پایدار»،

«حاکمیت قانون» و «کیفیت زندگی» فرو می‌گلتد و به زمین می‌افتد و کل دستگاه دچار آشوب می‌شود. ارکانها می‌توانند از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشند و هستند. اگرچه برخی قویتر و برخی ضعیفتر هستند، همیشه بین آنها موازنه‌ای برقرار است تا دوام آورند در حالی که تفاوت‌هایی بین کشورهای مختلف وجود دارد (دیاگ و مک آیور، ۲۰۰۳).

تأسیس نظام ملی درستکاری معتبر نیازمند شناسایی نظام‌مند تهدیدات، فرصتها، نقاط قوت و ضعف هر یک از ارکان از طریق ارزیابی جداگانه وضعیت هر یک از آنها بر اساس ابعاد و شاخصهای خاص با هدف تقویت یا برپایی هر کدام از این رکنها در درون چارچوبی جامع است. سپس بعد از رفع و بهبود کاستی‌ها و نواقص هر ستون، تلاش می‌شود تا توازن و تعادلی منطقی بین هر یک از ستونها برقرار گردد. اگر سامانه کاملاً به یک «رکن» وابسته باشد یا تعداد معدودی رکن در برابر فروپاشی آسیب پذیر خواهد بود؛ اما نبود سامانه سلامت مؤثر، پیشرفت فساد را تضمین می‌کند؛ از این رو رویکرد نظام ملی درستکاری شکل جدیدی از تشخیص و درمان بالقوه برای فساد ارائه می‌کند (دیاگ و مک آیور، ۲۰۰۳).

هدف کلی نظام ملی درستکاری، ارتقای حکمرانی در جامعه است. این نظام بر پایه‌هایی شامل آگاهی عمومی و ارزشهای جامعه مبتنی است. اگر آگاهی عمومی زیاد باشد و ارزشها قدرتمند، این امر به ستونهایی کمک خواهد کرد که روی آنها قرار گرفته‌اند. رویکرد نظام ملی درستکاری از طریق شماری از نهادها، بخشها یا فعالیتهای اساسی کار می‌کند که همان ستونها است. بین این ستونها مجلسی فعال برای دستیابی و پایدار کردن حکمرانی خوب، سازمانهای نظارتی برای نظارت بر صحت و سلامت کارها، نظام قضایی برای حفاظت از حاکمیت قانون، آمبودزمان، رسانه، بخش خصوصی و... قرار دارد. هدف نهایی برقراری نظام ملی درستکاری این است که فساد عملی با «خطر زیاد» و «منفعت کم» باشد؛ به این ترتیب، این سامانه طراحی می‌شود تا قبل از هر چیز از بروز فساد پیشگیری کند به جای اینکه پس از وقوع بر مجازات تکیه کند (دای و استاپنهورت، ۱۹۹۸، ص ۱).

## ۵-۲. تبیین نقش رسانه در سیاستگذاری مبارزه با فساد

کارآمدترین سامانه تضمین آزادی رسانه، سامانه‌ای است که در آن رسانه توانمند می‌شود تا رسماً به قضاوت دقیق بپردازد. با قضاوت مسئولانه ویراستاران و روزنامه‌نگاران و حمایت مستمر دستگاه قضا، سنت و فرهنگ آزادی رسانه توسعه می‌یابد. فرهنگ رسانه باید شامل این مفهوم باشد که رسانه وظیفه دارد تا آرامش آنها را که راحتند (صاحب منصبان) به منظور راحت

کردن آنها که ناآرامند (مردم) بر هم بزند. تردیدی نیست که چنین فرهنگی می‌تواند گاهی به بی‌مسئولیتی رسانه منجر شود. این هزینه‌ای است گریزناپذیر که باید پرداخته شود. دستگاه قضایی مستقل و خردمند و شورای مطبوعات کارآمد شاید بتوانند به افراط و تفریط در چنین زمانه‌ای پایان دهند؛ با وجود این، جوامع باید آماده باشند تا برای مصلحت بزرگتر آزادی رسانه، هزینه‌هایی بپردازند (پاپ، ۲۰۰۰، ص ۱۲۵).

یکی از نقشهایی که برای وسایل ارتباط جمعی در نظر می‌گیرند، نقش خبری و اطلاع رسانی است که از آن به عنوان نظارت بر محیط یاد می‌کنند. اگر رسانه‌ها از آزادی و حمایت قانونی لازم برخوردار باشند به گونه مؤثرتری این کارکرد را در جامعه ایفا خواهند کرد؛ لذا یکی از راهکارهای بسیار مؤثر در نظارت بر دولت، دفاع از آزادی بیان و استقلال و مصونیت مطبوعات است. مطبوعات و رسانه‌ها بدون اینکه هزینه‌ای برای دولت در برداشته باشند به تجسس و نظارت بر رفتار دستگاه‌های دولتی می‌پردازند و در زمینه بازرسی به طور غیرمستقیم به دولت کمک می‌کنند. افشای فساد اداری در مطبوعات، هزینه‌های اجتماعی و سیاسی فساد را برای مرتکبان آنها افزایش می‌دهد. گزارش فساد در رسانه‌ها مانع اعمال نفوذ افراد برای مسکوت نگاهداشتن و عدم پیگیری فساد می‌شود. مطبوعات آزاد ابزار نیرومندی برای آگاهی افکار عمومی از رویدادهای جامعه و اطلاع شهروندان از ماهیت واقعی کارگزاران و مسئولان است (گلین، ۱۹۹۷، ص ۲۴-۱۶).

مطبوعات و رسانه‌ها بدون اینکه هزینه‌ای بر دوش دولت بگذارند از طریق کشف اخبار و گزارشها و انتشار سریع و پرشمار آن در جامعه، راه نفوذ فساد را کاهش می‌دهند. خبرنگاران، گزارشگران و مقاله‌نویسان در مطبوعات آزاد می‌توانند و باید در شرایط آزاد به کسب خبر بپردازند و از آن مهمتر بتوانند اخبار را در اختیار خوانندگان و بینندگان خود قرار دهند. کشورهایی که در مبارزه با فساد، کامیابی بیشتری به دست آورده‌اند، آن دسته از کشورهایی هستند که آزادی مطبوعات در آنها نهادینه شده است. اگر نهاد دولت می‌خواهد مبارزه با فساد مؤثر باشد، راهی ندارد جز اینکه مطبوعات مستقل و آزاد و غیردولتی در آن نقش خود را ایفا کنند. در غیاب مطبوعات آزاد غیردولتی و در شرایطی که همه رسانه‌ها و روزنامه‌ها و مطبوعات به نهادهای حکومتی و دولتی وابسته باشند، درج اخبار مربوط به فساد اقتصادی، اعتمادی ایجاد نخواهد کرد. مردم و روزنامه‌خوانان در همه جامعه‌ها نشان داده‌اند به مطبوعات آزاد و مستقل اعتماد دارند. نمی‌توان از مطبوعات و رسانه‌های دولتی انتظار داشت همه واقعیت‌ها را درباره فساد دولتی به دست بیاورند؛ منتشر کنند و مردم آنها را باور کنند (باقری کمارعلیا و نجف‌پور، ۱۳۹۸).

(جان فریتز، ۲۰۰۵، ص ۳) بیان می‌کند که، ممکن است رسانه‌ها ابزارهای سنتی در مبارزه علیه فساد تلقی نشوند؛ اما آنها در دستیابی به تغییر فرهنگی حیاتی هستند که باید با تغییرات قانونی و نهادی پایدار همراه باشد. رسانه‌ها می‌توانند اثر قانون ضد فساد را به این شیوه‌ها تقویت کنند: الف) دسترسی و بسیج گسترده‌تر مخاطبان ب) تحریک رهبران سیاسی برای عمل و اقدام و ج) آسان‌سازی تغییر فرهنگی که پایداری تغییرات را بهبود بخشد. (کافمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹، ص ۶) نیز بیان می‌کند که باید بر دانش و اطلاعات به عنوان پیش‌شرط‌های اصلی برای مبارزه با فساد تأکید کرد. به‌زعم او سیاستهای مبارزه با فساد زمانی نتیجه می‌دهد که دانش و اطلاعات با رهبری و اقدام جمعی همراه باشد و در این راهبرد، اهمیت اطلاعات و دخالت نهادهای اجتماعی از جمله رسانه‌ها، نقشی اساسی و محوری دارد. اصلاحات و سیاستگذاریها نه تنها توسط سیاستگذاران، بلکه به وسیله رسانه‌ها نیز مورد حمایت و نقد و بررسی قرار می‌گیرند. در واقع، نقش حیاتی رسانه‌ها، ایجاد فضایی در جامعه است که در آن رشوه و کلاهبرداری مذموم شناخته شود (بانک جهانی، ۱۹۹۷، ص ۴۱).

به نظر (کافمن، ۱۹۹۹، ص ۸) نقش رسانه‌ها را به عنوان ابزار مقابله با فساد می‌توان در دو سطح مورد بررسی قرار داد: یکی اقداماتی است که توسط رسانه‌ها در این زمینه انجام می‌گیرد و دیگری تأثیری است که این اقدامات در جامعه بر جای می‌گذارد. اقدامات رسانه‌ها از قبیل نقد کردن سیاست یا قانونی که سبب ایجاد فرصتهایی برای فساد می‌شود، پرس و جو و تحقیق درباره کناره‌گیریهای اجباری مقامات و اخراج مقامات فاسد، انتشار گزارشهای قضایی و انتشار و پخش توصیه‌هایی است که توسط سازمانهای نظارتی ارائه می‌شود. در مقابل برای تأثیرات این اقدامات می‌توان به حیات بخشیدن به مباحث عمومی و افزایش درک عموم از پاسخگویی در میان سیاستمداران، سازمانها و نهادهای عمومی اشاره کرد. جسور بودن و صراحت در رسانه‌ها سبب می‌شود که معایب و نواقص سیاستگذاری، قوانین و مقرراتی که سبب ایجاد فرصتهایی برای فساد می‌گردد، آشکار، و در نتیجه موجب افزایش فشار برای اصلاح آن می‌شود و یا حتی قبل از اینکه گزارشی منتشر گردد، تحقیقات و پرس و جوهایی که توسط خبرنگاران درباره تخلفات آشکار انجام می‌گیرد، سبب می‌شود که مقاماتی که خواهان حفظ دیدگاه مثبت افکار عمومی نسبت به خود هستند، قبل از انتشار هر گونه گزارشی از آن کار دست بردارند. کارکردهای رسانه برای پیشگیری و مبارزه با فساد به شرح ذیل است:

تحقیق درباره مقامات دولتی: یکی از آشکارترین مواردی که رسانه‌ها می‌توانند بالقوه مانع

فساد شوند، زمانی است که مقامات، شغل خود را به علت گزارشهای صریح رسانه‌ها و در نتیجه افزایش اعتراضات عمومی از دست می‌دهند. زمانی که این مقامات شغل خود را به دلیل گناهکار بودنشان از دست بدهند، نتایج مختلفی نیز در پی آن ایجاد می‌شود که عوامل بازدارنده فساد است؛ از قبیل تحقیر نزد عموم، از دست دادن مقام و منزلت اجتماعی و درآمدی و غیره و علاوه بر این حساسیتهایی که به دنبال برکناری مقامات ایجاد می‌شود به پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری (عمومی) کمک می‌کند.

بهبود تحقیق توسط نهادها و سازمانهای دولتی: گرچه این شیوه شاید سبب برکناری مقام یا مسئولی نشود، در برخی مواقع ارائه گزارشهای صریح و بی‌پرده توسط رسانه‌های مستقل سبب می‌شود که مقامات و سازمانهای رسمی با در نظر گرفتن پیامد برخی از کارها به خودکنترلی و خود حسابرسی اقدام کنند (فلدمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸، ص ۱۷).

تقویت اقدامات و مشروعیت نهادهای نظارتی: اخبار و گزارشهای رسانه‌ها می‌تواند در کارایی و اثربخشی اقدامات نهادهای نظارتی نقشی بسیار مهم ایفا کند. زمانی که رسانه‌ها گزارشهای دقیق و مفصلی از اقدامات این سازمانها ارائه می‌کنند، سبب تقویت اقدامات آنها در این گونه بازرسیها، و در نتیجه سبب می‌شود که سازمانهای نظارتی از نهادهای قدرتمند دیگری مستقل عمل کنند که سعی در اخلال کار آنها دارند.

شکل‌دهی افکار عمومی در مخالفت با فساد در دستگاه‌های دولتی: گرچه شاید در برخی مواقع گزارش رسانه‌ها درباره اقدامات و رفتارهای غیرقانونی توسط سازمانها و مقامات رسمی به‌طور مستقیم به محکومیت و زیر سؤال رفتن آنها منجر نشود، این گزارشها می‌تواند سبب شکل‌گیری مخالفت‌هایی در افکار عمومی علیه این گونه فعالیتها شود.

اعمال فشار برای تغییر قوانین و مقرراتی که فضای مناسبی را برای فساد ایجاد می‌کند: یکی از شیوه‌هایی که رسانه‌ها بالقوه می‌توانند جلوی فساد را بگیرند، مشخص ساختن نواقص و معایب برخی از قوانین و مقررات است که خود سبب ایجاد فرصتهای مناسبی برای فساد می‌شود. در این صورت مسئولان به تغییر یا اصلاح آن قوانین و مقررات مجبور می‌شوند. البته این گونه اعمال فشارها می‌تواند به صورت ارائه توصیه‌های خاص توسط رسانه‌ها نیز صورت گیرد.

1. Feldman.

## ۶. نتیجه‌گیری

زمانی که تبادل مستقیم و چهره به چهره اطلاعات بین تمامی بخشهای جامعه غیرممکن است، رسانه‌ها واسطه اطلاعات بین مخاطبان و بازیگران سیاسی می‌شوند و بنابراین یکی از مهمترین زیرسیستم‌های جامعه را تشکیل می‌دهند؛ لذا محدود کردن رسانه‌ها به کارکرد اولیه انتشار اطلاعات نه تنها ناکارآمد برای رسانه‌ها است، بلکه هم‌چنین به معنی از بین بردن و تحریف نقش قانونی رسانه‌ها در فرایند شکل‌دهی به افکار عمومی است. یکی از مهمترین فواید رسانه‌ها در زمینه مبارزه با فساد این است که می‌توانند براحتمی میان جمعیت کشور منتشر شوند و از همین روست که گزارشهای رسانه‌ها در مورد فساد مقامات دولتی، نتایجی را در بر دارد که باعث می‌شود این امر مورد توجه مقامات قضایی و عموم مردم قرار گیرد. می‌توان با حمایت‌های مختلف از رسانه‌ها در مقابله با تهدیدات و خطرهایی که زندگی و کار آنها را تهدید می‌کند، توانمندشدن آنها را تضمین کرد. اغلب، رسانه‌ها را رکن چهارم دولت پس از قوه مجریه، مقننه و قضاییه می‌نامند که البته نقش مهمی دارند؛ زیرا رسانه‌های جمعی، ملت را با خودش و با دیگر ملتها متصل و مرتبط می‌کند و از این طریق است که مقامات ملت، مشکلات و خواسته‌ها مردمی را می‌فهمند که به آنها خدمت می‌کنند و از همین مسیر، مردم ظرفیت، توان و سیاستهای آن مقامات را درک می‌کنند.

اگرچه ممکن است مطبوعات سعی کنند نظر حزبی، گروهی یا فردی خاص را گزارش دهند، جریان اطلاعات در جامعه آزاد و مردم سالار دارای آزادی بیان، آن قدر ثبات خواهد داشت که پیوسته مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و رسواییهای اقتصادی و سیاسی برخی مقامات دولتی فاش شود. زمانی که همه رسانه‌ها، دولتی و یا به دولت وابسته هستند، انتشار گزارشها و خبرهایی که دولت را با رسواییهایی بزرگ سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی روبه‌رو می‌کند در حد محال است. باید گفت آزادی مطبوعات و مردم‌سالاری در چارچوب نظام ملی درستکاری این تضمین را می‌دهد که در صورت وقوع، فساد پنهان نمی‌ماند و لذا این افشاگرها می‌تواند از رشد و گسترش فساد جلوگیری کند. افزایش آگاهی عمومی از طریق توجه رسانه‌ها به فساد ضرورتاً به معنای افزایش سطح فساد نیست، بلکه افزایش آگاهی مردم به همراه افزایش اعتماد عمومی به دولت در مبارزه با فساد می‌تواند به کاهش فساد کمک کند؛ به این ترتیب برای ارتقای نقش و کارکرد رسانه در نگرهبانی از منافع عمومی و جلوگیری از تصمیمات و عملکردهای نادرست در سیاستگذاری مبارزه با فساد مبتنی بر نظام ملی درستکاری، راهکارهایی شامل وجود آزادی اطلاعات و به رسمیت شناختن و حق دسترسی همگان به آن، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، عدم



سانسور و خودسانسوری، استقلال ساختاری، محتوایی، مالی و سیاسی رسانه‌های همگانی و نیز تأمین استقلال حرفه روزنامه‌نگاری پیشنهاد می‌شود که نبود آنها موانعی جدی بر سر راه رسانه در اتخاذ سیاستهای مبارزه با فساد به شمار می‌رود.

## ۷. سپاسگزاری

از تمامی افرادی که در تدوین این پژوهش، ما را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

- آرای، وحید؛ نجفپور، شعبان و احمدی، حسینعلی (۱۳۹۱). جایگاه رسانه‌های جمعی در سیاستگذاری مبارزه با فساد، توصیه‌ها و راهکارهای سیاستی، فصلنامه نظارت و بازرسی، مرکز تحقیقات کاربردی بازرسی کل ناجا، دوره ۱۳۹۱، ش ۲۲.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاستگذاری فرهنگی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- باقری کمارعلیا، محمد و نجفپور، شعبان (۱۳۹۸). رسانه و نظام ملی درستکاری، تهران، نشر دهکده هوسم.
- بیابانی، غلامحسین؛ عصار، محمدتقی و مظفری، افسانه (۱۳۹۵). شفافیت رسانه‌ای در مقابله با فساد و جرم سازمان یافته، فصلنامه رسانه، س ۲۷، ش ۴.
- پاک سرشت، سلیمان و افشار، زین‌العابدین (۱۳۹۶). ارزیابی تئوری برنامه سیاستهای ضد فساد در ایران بعد از انقلاب، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، ش ۲۵.
- دادگران، محمد (۱۳۸۴). مبانی ارتباط اجتماعی، تهران، انتشارات مروارید.
- ساروخانی، محمد باقر (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۶). طرح مسائل اجتماعی در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی، ش ۳.
- محمدی، منوچهر و معصومی، سید محمد (۱۳۹۵). الزامات راهبرد تجهیز رسانه‌ای در برخورد با فساد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشهای انقلاب اسلامی، دوره ۵، ش ۱۹.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۷). مبانی حقوقی استقلال حرفه روزنامه‌نگاری، فصلنامه رسانه، س ۶، ش ۴.
- مک کوئیل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه‌های ارتباط جمعی، ترجمه دکتر پرویز اجاللی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مهرداد، هرمز (۱۳۸۰). نظریه‌ها و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی فاران.

- نجف پور، شعبان (۱۳۹۳)، نظام سلامت ملی، رویکردی نوین در پیشگیری از فساد و ارتقای سلامت اداری، فصلنامه نظارت و بازرسی، ش ۲۸، تابستان ۱۳۹۳.

- الوانی، سید مهدی؛ زرنندی، سعید و عرب سرخی، ابوذر (۱۳۸۹)، مؤلفه‌های تدوین استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۲، ش ۴.

- Doig, R. A. McIvor. S. (2008) 'Using National Integrity Systems to Assess Corruption: An International Perspective'. In Head. B.W. Brown. A.J. and C. Connors (eds.) Promoting Integrity: Evaluating and Improving Public Institutions Farnham. Surrey. Ash gate Publishing Ltd.
- Dye. K. M. Stapenhurst. R. (1998). **Pillars of Integrity: The Importance of Supreme Audit Institutions in Curbing Corruption. The Economic Development Institute of the World Bank.** Evaluating and improving public institutions. Farnham: Ash gate.
- Fischer. John R. (1991). News Media Functions in Policy Making, (Athabasca University), **Canadian Journal of Communication**, Vol 16, No 1.
- Fletcher, F. J., & Taras, D. G. (1984). **The mass media and politics: An overview.** In M. S. Whittington & G. Williams (Eds.), *Canadian politics in the 1980s* (2nd Ed.).
- Fritz. P. Johann. (2003). **Public policy and administration.** Quah. Jon S. T. 2nd Ed... *Curbing Corruption in Asia: A Comparative Study of Six Countries.* Singapore: Eastern Universities Press Resources/wbi37234Heilbrunn.pdf
- Kaufman. D. (1997). **Corruption: The facts. World Bank working paper.** Viewed 2 February 2010. <www.worldbank.org>.
- Matei. A. Matei. L. (2010). **Assessing the Anti-corruption Strategies: Theoretical and Empirical Models.** Faculty of Public Administration. National School of Political Studies and Public Administration. Str. Povernei no 6. Sector 1. Bucharest. Romania
- McCusker. R. (2006). "Review of Anti-corruption Strategies". Technical and Background Paper. No. 23. Australian Institute of Criminology. Canberra. Australia.
- Pope. J. (2000). **TI Sourcebook. Confronting corruption: The elements of a national integrity system.** Transparency predictions'. 30th Anniversary Seminar – Commonwealth Ombudsman. Canberra. 9 August.
- Spitzer, RJ. (1993). **Media and Public Policy, Westport, London: Praeger Publishers towards a Science of the Singular.** Helen Simons (edited). CARE Occasional University of Chicago Press York: W. W. Norton.
- Transparency International, (2001) **the national integrity system: concept and practice: country studies: overview report.** Berlin: I.
- Vazquez. (2007). **Fighting Corruption in Public Sector.** The Netherlands. Amsterdam. Elsevier. Linacre House. Jordan Hill.
- World Bank Institute. Washington. (2004). <http://www.siteresources.worldbank.org/WBI>
- Wright.c.r (1959). **mass communication: A sociological perspective.** New York: random house. Bauer, R. A., & Gergen, K. J. (Eds.). (1968). **the study of policy formation.** New York: Free Press.



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني